

نمود مفاهیم عرفانی و صوفیانه شعر در معماری بقاع متبرکه

چکیده

معماری و ادبیات در کنار هنرهای دیگر چون نقاشی و موسیقی از جمله هنرهای اسلامی‌اند که از بُعد صوری و لفظی (فرم و ساختار، ریتم و وزن) و کاربرد مفهومی دارای مشترکات زیادی هستند؛ به گونه‌ای که در برخی موارد تردیدی باقی نمی‌گذارد که خاستگاه و منشأ وجودی آن‌ها از منبعی واحد است. ادبیات ابزار تفکیک‌نشده‌ی معمار و معمار شخصی شهودگرا است. البته در ادبیات برای رسیدن به اهداف یک طراحی خلاقانه، شعر بر سایر ابعاد ادبیات رجحان دارد. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه به رشته تحریر در آمده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که شعر در مفاهیمی چون فضا، فرم، سبک و در حوزه زیباشناسی چون استعاره، تضاد، توازن، نماد، رمز و رنگ دارای مشابهات زیادی می‌باشد که نه تنها در لفظ، در مفهوم و محتوا نیز نمایان است و این نشان‌دهنده ارتباط و تأثیر شعر سنتی در معماری امروز است. از نمونه‌های بارز تأثیر شعر بر معماری، نمود مفاهیم عرفانی و صوفیانه از جمله افکار خیام، عطار، مولانا و سنایی بر مزار و گنبد بقاع متبرکه است. معماران دوره صفویه و قاجاریه، موسیقایی، هارمونی و مفاهیم شعر شاعران مذکور را دریافته و به حجم بدل ساختند. آثار معماری به دست آمده تبلور شاهکاری برآمده از ارتباط و تلفیق ادبیات و معماری است.

اهداف پژوهش:

۱. بازشناسی ارتباط شعر سنتی و معماری در ایران.

۲. مطالعه نمود شعرهای عرفانی و صوفیانه در معماری بقاع متبرکه.

سؤالات پژوهش:

۱. شعر سنتی و معماری ایرانی دارای چگونه ارتباطی هستند؟

۲. اشعار صوفیانه و عرفانی در معماری بقاع متبرکه چه بازتابی داشته است؟

کلیدواژه‌ها: ارتباط، تلفیق، شعر، معماری، بقاع متبرکه.

شعر در ادبیات، هنری کاملاً واضح در جهانی مشترک با معماری است. شعر بیان احساس انسانی در قالب واژگان و معماری هنر خلق فضا است. نقش بستن اشعار شعرا در بناها و آرامگاه‌ها نشان از عجبین شدن معماری و شعر دارد. بررسی‌های انجام شده از مضامین در تزیینات معماری ایرانی-اسلامی حاکی از این است که شعر یکی از مضامین مهم و پرتکرار است؛ به‌طوری‌که در بسیاری از بناهای مذهبی و غیرمذهبی شاهد کاربرد اشعار عرفانی و صوفیانه از شعرای برجسته ایرانی در تزیینات هستیم. مسئله‌ای که اینجا می‌توان مطرح کرد میزان کاربرد اشعار عرفانی در معماری بقاع متبرکه به‌عنوان دسته‌ای مهم و قال توجه در معماری اسلامی است. در این پژوهش ضمن بررسی وجوه مشترک شعر و معماری به رابطه عمیق شعر و معماری پرداخته شده است. شعر واقعیت را به تجرید می‌کشد و معماری از تجریدها به سمت واقعیت حرکت می‌کند و احساس متعالی شاعرانه را به یک فضای ملموس مبدل می‌سازد. شعر بیانگر «یکتایی» و فضا و مکان لازمه هر طرح ملی، منطقه‌ای و محلی است. «شفافیت و سبکی از عوامل مشترک شعر و معماری است که در نور می‌توانند با یکدیگر هم‌آوا شوند و با ذات نوری خود فاصله‌ها را از میان بردارند و معماری که شاعر فضای شایسته زندگی است، در آزادمنشی، شعر همنشینی با تلاش‌های خلاقانه را می‌جوید (تقوی، ۱۳۸۷: ۲).

ادبیات یکی از گونه‌های هنر است و واژه مواد و مصالح موردنیاز شاعر و نویسنده است تا به کمک عواطف و تخیلات از آن استفاده کنند. در آثار ادبی نویسنده و شاعر می‌کوشد عواطف و احساسات و اندیشه‌های خود را در قالب مناسب‌ترین و زیباترین جملات و عبارات بیان کند. این واژگان همان آثاری است که مردم آن‌ها را شایسته نگهداری می‌دانند و از خواندن و شنیدن آن لذت می‌برند. در زبان عربی واژه معماری از ریشه «عمر» به معنای عمران و آبادانی است و «معمار» به معنی آبادکننده است. در زبان فارسی برابرهای گوناگونی برای آن آمده است، مانند «والادگر»، «راز»، «بانی کار» و «مهراز». مهراز به معنی مهتر و بزرگ بنایان است این واژه برابر مهندس معماری به تعبیر امروزی است (خامسی هامانه، ۱۳۹۲: ۱). ادبیات یا بهتر بگوییم قطعه و نثر ادبی به مثابه «صورت مسئله» معماری از اواسط دهه ۱۹۷۰ تا اواخر دهه ۱۹۷۰، موردتوجه بسیاری قرار گرفته بود. معمارانی چون «هجداک»، «رودولفو»، «ماچادو»، «سیلوتی» و «والدمن» در این زمینه پیشتاز بوده‌اند. آن‌ها روایت‌های عملی معماری را با نوشتاری انگیزه بخش و تفسیرپذیر ارائه نموده‌اند؛ که می‌توان تاویل‌های متفاوتی از آن‌ها فراهم ساخت. بدیهی است چنین آثار هنری که نه تنها تأویل و چالش بلکه بسط و توسعه تفکر انتقادی از موضوعات فردی در تقابل با موضوعات جمعی را نیز به همراه می‌آورد. قطعه ادبی سه بخش ماچادو در معماری و ادبیات، شاید بهترین گواه از قدرت رابطه دو سویه معماری و ادبیات باشد. پی‌نوشت او بر این اثر بیانگر همین امر است. «افسانه‌ها گواه تمایل به واقعیتی دیگرند واقعیتی که با بیشتر واقعیات ساخته شده موجود متفاوت است. در آنجا نیروی انگیزه‌بخش در این است که باعث شویم، خواننده آرزو کند که آنچه را که متصور شده است ... آیا ما نمی‌خواهیم آنچه که تاکنون وجود داشته است، به‌وجود آید؟» (آنتونی نیادس، ترجمه آی، ۱۳۹۱: ۱۲۴). روایتگری یا افسانه‌پردازی معماری به جهت سودمند بودن باید شرایط ذیل را محقق

کند: ارزشمند، خوشایند، شخصی و در عین حال جهانی اصیل و اندیشمندانه و بیانگر نیازهای درونی برای نقد از خویشتن باشد. انگیزه‌بخش، تأویل‌پذیر و جهت به چالش کشیدن خواننده به اندازه کافی مبهم باشد.

بررسی پیشینه پژوهش حاضر حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است لذا در نوشته حاضر که به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده است به زوایای مختلف این موضوع پرداخته شده است.

نتیجه‌گیری

بسیاری از واژه‌ها در معماری و ادبیات (اعم از نظم یا نثر) کاربرد مشترکی دارند که گاه این اشتراک هم در لفظ و هم در مفهوم و محتواسـت. فضا تأثیر زیباشناختی یک اثر ادبی و هنری است. فرم ترکیب عناصری است که یک مجموعه کامل و زنده را به وجود می‌آورد، سبک طرز بیان اندیشه است. حرکت در هنر وسیله‌ای است برای درک فضا. استعاره یکی از روش‌های آفرینش و خلاقیت است. تمام موارد مذکور به همراه اصطلاحات دیگری چون رنگ، تضاد، تقابل، تناسب، توازن و تقارن از جمله مشترکات مبانی در دو شاخه معماری و ادبیات هستند. نیما یوشیج مبانی و مبدا ساخت و تشکیل در شعر فارسی است که انقلابش در شعر ناشی از دیدگاه مثبت به جهان و هستی است. در شعر نو و شعر حجم، فضا و کلمه به ارتباط تنگاتنگی دست است می‌یابد که می‌توانند فرضیه ذهنی مبانی معماری باشد. در ارتباط ادبیات و معماری شعر بر ادبیات رجحان می‌یابد و در بین انواع شعر سنتی و نو هائیکو مانند استعاره‌ای برای هدف غایی شعر معماری مورد استفاده قرار می‌گیرد. بدون تردید شعر و ادبیات حس خیال‌انگیزی خود را چون هدفی استعاری به معماری برای استعلا و برتری، وام می‌دهد. پس اگر بخواهیم میان کل ادبیات و معماری مقایسه‌ای انجام دهیم به‌طور قطع باید گفت بهترین توصیفات فضاهای شهری امروز آنهایی است که شعرا و نویسندگان در آثار خود نوشته‌اند. رابطه ادبیات و معماری یک رابطه دو طرفه است زیرا با ادراک سر و کار دارد. همان‌گونه که وقتی یک شاعر در تماشای حجم‌های معماری اصفهان و یا یزد ناخودآگاه اشعارش گرایش فرمالیستی پیدا می‌کند. نمی‌توان عامل را از معلول جدا نمود زیرا همه پدیده‌ها بر هم تأثیر گذارند. آن‌گونه که همه امور، در عرفان مولانا به خدا برمی‌گردد:

این همه خود تو می‌کنی بی تو بصر نمی‌شود

منابع و مأخذ:

- آنتونی سی، آنتونیادس. (۱۳۹۱). بوطیقای معماری، ترجمه احمد رضا آی، تهران: نشر سروش.
- احمدی، بابک. (۱۳۷۲). ساختار تأویل متن، چاپ ششم، تهران: نشر مرکز.
- افشاری، نگین. مقاله کاربرد شعر در معماری. (<http://www.chouk.ir/maghaleh-naghd-gotogo.html>)
- بمات، نجم‌الدین. رنگ آبی در معماری اسلامی، ۸۶/۹/۲۶ (www.iranpoetry.com)
- تقوایی، سید حسین. (۱۳۹۲). از سبک تا هویت در معماری. نشر هنرهای زیبا، دوره ۱۷ شماره ۲۰، ۱۷-۱.
- جمالی، منوچهر، رمزهای شاهنامه ۸۶/۱۲/۱۳ (www.mahmag.org)
- خارستانی، اسماعیل. (۱۴۰۰). «تبدیل بقاع متبرکه به قطب فرهنگی با تقویت و ارتقا جایگاه تربیتی آنها». معرفت، ش ۲۸۵، ۹۹-۸۹.
- رضایی، عربعلی. (۱۳۸۲). واژگان توصیفی ادبیات، تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۸۲). معماری شهرسازی به روایت شاهنامه، تهران: نشر فرهنگ و معماری.
- سنجری، محمود. (۱۳۸۶). نگاهی به کارکردهای اسطوره‌های شعر سنتی فارسی، ۸۶/۱۲/۱۰ (www.iranpoetry.com)
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). صورخیال در شعر فارسی، چاپ چهارم، تهران: نشر آگاه.
- شمس‌اللهی، بهنوش، مقاله سبک‌شناسی معماری ایرانی، ۸۶/۱۲/۱۲ (www.fokoohi.com)
- صالحی ابرقویی، نیلوفر، مقاله معماری شعر. (<http://www.civilica.com>)
- غیور، زهرا، مقاله استعاره در معماری، ۸۶/۱۲/۱۲ (www.aftab.ir)
- فروغی، محمود. (۱۳۸۳). معماری پویا، چاپ چهارم، تهران: نشر خاک.
- فلامکی، منصور و دیگران. (۱۳۷۹). معماری و موسیقی، تهران: نشر جامی.
- گروتز، پورگ. (۱۳۷۵). زیباشناختی در معماری، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون تهران: نشر دانشگاه تهران.
- میرعابدینی، حسن. (۱۳۷۷). صد سال داستان‌نویسی ایران. تهران: نشر چشمه.

مرباغی، بهروز، مقاله گفتگوی شعر و هنر با مبانی نظری معماری. (<http://www.memarnet.com/fa/node>)

مفتاحی، محمد. (۱۳۸۶). مقاله نگاهی به استعاره‌های شعر امروز شعر نقاشی کلمات، ۸۶ / ۱۲ / ۲۱ (atiban.com)

نویسنده نامعلوم، مقاله خویشاوندی‌های ادبیات و معماری. (<http://forums.memarfa.com>)

نویسنده نامعلوم، مقاله معماری و ادبیات تا ابتدای مدرنیته. (<http://ammi.ir>)

هامانه، خامسی، مقاله جستاری در مشابهات معماری و ادبیات (<http://www.civilica.com>)

یاوندیان، علیرضا. (۱۳۸۲). حکمت هنر اسلامی، تهران: نشر شاملو.